

## همزیستی ناهم جنس‌ها: تحلیل دو شعر کوتاه ویلیام کرلوس ویلیامز در پرتو نظریه آشوب

محمدرضا اسفندیاری مهر (نویسنده مسئول)

گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

علی تقی‌زاده

دانشیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

### چکیده

نظریه آشوب، که شاخه‌ای از نظریه‌های انتقادی به شمار می‌رود، با تأکید بر سیستم‌های غیرخطی، غیرقابل پیش‌بینی اما الگودار، روزبه‌روز تأثیر بیشتری بر گفتمان‌های علمی و علوم انسانی گذاشته است. این پژوهش چل‌چوب نظریه آشوب را بر شعر ویلیام کرلوس ویلیامز به کار می‌گیرد؛ شاعری که اشعار به ظاهر ساده‌اش اغلب در برابر تفسیرهای متداول مقاومت می‌کنند. این مطالعه استدلال می‌کند که شعر ویلیامز – که معمولاً تکه‌تکه یا آشوبناک پنداشته می‌شود – در واقع ساختارهای زیرین نظم و پیوستگی را در خود نهفته دارد و همزیستی عناصر ناهمگن را آشکار می‌کند: جزئیات روزمره‌ای که از منظر نظریه آشوب، الگوهای نظام‌مندی را برملا می‌سازند. این مقاله با تکیه بر تفسیر نانسی کاترین هیلز از نظریه آشوب، سه شعر «این فقط برای گفتن است»، «چرخ‌دستی قرمز» و «منظره‌ی کلاسیک» را به دقت بررسی می‌کند تا درون‌مایه‌های آفرینش و ویرانی، وابستگی چرخه‌ای و پویایی‌های پیچیده‌ای را که در زیر صحنه‌های به ظاهر پیش‌پاافتاده پنهان شده‌اند، کاوش کند. با وارد کردن نظریه‌ی آشوب به تحلیل ادبی، این پژوهش نشان می‌دهد که اثر ویلیامز بی‌نظمی سطحی را به انسجام عمیق‌تر تبدیل می‌کند. بدین‌سان، مدلی انتقادی برای خوانش شعر مدرنیستی پیشنهاد می‌دهد که از تقلیل آن به تکه‌پلرگی محض یا نظم خشک و سخت اجتناب می‌ورزد. نتیجه‌گیری نهایی این است که هنر ویلیامز زیبایی‌شناسی مدرن را تأیید می‌کند که در آن ناپایداری نه تهدیدی برای معنا، بلکه شرط‌زاینده‌ای برای خلق اشکال نوین معنا به شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** نظریه آشوب؛ اثر پروانه‌ای؛ ویلیام کرلوس ویلیامز؛ برخال؛ آفرینش و زوال درهم‌تنیده؛ دور.

## تروما و قدرت: خوانش کاروتی-فوکویی رمان دوران شگفت/نگیز اثر الفرید یلینک

مریم سلطان بیاد (نویسنده مسئول)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مهشید میرمعصومی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

رمان *زمان‌های شگفت/نگیز* (۱۹۸۰) اثر الفرید یلینک تروما را به‌عنوان وضعیتی اجتماعی-تاریخی بازمفهوم‌سازی می‌کند؛ وضعیتی که توسط ساختارهای قدرت-دانش تولید و تداوم می‌یابد، نه اینکه صرفاً به‌عنوان رنجی شخصی یا روان‌شناختی تجربه شود. با تکیه بر نظریه تروما نزد کتی کاروت و مفهوم قدرت-دانش در اندیشه میشل فوکو، این مقاله استدلال می‌کند که رمان، تروما را به‌مثابه نظام‌هایی تاریخی و ریشه‌دار از سلطه ایدئولوژیک بازنمایی می‌کند که هویت‌های فردی و جمعی، روایت‌های فرهنگی و حافظه را شکل می‌دهند. این مقاله با ارائه نقدی بر جامعه‌اتریش پس از جنگ، نشان می‌دهد که چگونه درهم‌تنیدگی پیچیده قدرت-دانش، گفتمان تروما را تولید کرده و امکان بازیابی روایی معنادار را مسدود می‌سازد. از طریق تحلیلی دقیق متن و گفتمان، مقاله نشان می‌دهد که ساختار گسسته رمان به‌عنوان نقدی ادبی و مهم عمل می‌کند؛ ساختاری که ماهیت بازنمایی‌ناپذیر تروما و مقاومت آن در برابر شکل‌گیری یک روایت منسجم را بازتاب می‌دهد و هم‌زمان سازوکارهای ایدئولوژیک قدرت-دانش را آشکار می‌سازد؛ سازوکارهایی که از طریق آن‌ها تاریخ‌های حل‌نشده و آسیب‌زای جمعی عادی‌سازی و بازتولید می‌شوند. بازنمایی تروما در رمان به‌عنوان محصولی اجتماعی-فرهنگی، و نه تجربه‌ای خصوصی، نشان می‌دهد که عاملیت فردی توسط ساختارهای قدرت محدود می‌شود.

واژگان کلیدی: تروما؛ قدرت-دانش؛ روایت غالب؛ غیرقابل بازنمایی؛ ضدگفتمان.

## خوانشی یالومی از مرگ اگزستانسیالیستی و اصالت/عدم اصالت در رمان مالوی اثر ساموئل بکت

سمانه زندگی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران

زهرا جان‌نثاری لادانی (نویسنده مسئول)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران

### چکیده

این مطالعه به طور خاص از نظریه‌های روان‌درمانی وجودگرایانه اروین دی. یالوم به مطالعه کتاب *مالوی اثر* ساموئل بکت می‌پردازد. این مطالعه روابط بین مرگ، اضطراب وجودی و دفاع‌های روان‌شناختی در شخصیت‌های بکت را بررسی می‌کند. با تحلیل ایده‌های روان‌درمانی وجودگرایانه یالوم، هدف این مطالعه آن است که دریابیم شخصیت‌ها چگونه می‌توانند اضطراب‌های وجودی خود را مقابله یا ترازایی کنند تا به وجودآگاهی دست یابند. این ساختار نظری فراتر از نظریه‌های روان‌درمانی فرویدی و نئوفرویدی امتداد دارد و بر روی مثال‌های عملی اضطراب انسانی مرتبط با مسئله نهایی مرگ تمرکز دارد. نتایج این مطالعه روش بکت در تصویر کردن وجود واقعی و تعامل شخصیت‌های او با مفاهیمی مانند سلحشور تسلیم‌پذیر، انسان غایی، و هستی غیرواقعی را برجسته می‌کند. همچنین، این مطالعه به دفاع‌های روان‌شناختی مورد استفاده شخصیت‌های بکت برای مقابله با اضطراب وجودی می‌پردازد و بررسی می‌کند که آیا این دفاع‌ها در نهایت موفق هستند یا می‌توانند به فهم عمیق‌تری از مرگ خود برسند. هدف از این تحلیل آن است که درک بیشتری از چگونگی دستیابی بکت به پاسخ‌هایی برای پرسش‌های وجودی عمیق درباره وضعیت انسانی و راه‌هایی که افراد برای مقابله با ناگزیری مرگ پیدا می‌کنند، ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: مالوی؛ بکت؛ مرگ؛ جاودانگی؛ یالوم؛ اصالت؛ عدم اصالت.

## زمان فرد مطرود: تخاصم زمانی در پرنده شیرین جوانی تنسی ویلیامز

سید محمد مرندی

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

زهره رامین (نویسنده مسئول)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مریم مرادی

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

این مقاله به بررسی تغییرفرمول و قاعده‌ی اصلی گوتیک درنمایشنامه *پرنده شیرین جوانی* اثر تنسی ویلیامز می‌پردازد. این نمایشنامه به تقلید از قراردادهای ادبیات گوتیک آمریکایی بازگشت دیگری کشور را که سرکوب شده به صورت یک مزاحم به تصویر می‌کشد. اما ویلیامز این شخص مطرود را از لحاظ زمانی متفاوت و غیر همزمان با شخصیت سیاسی قرار می‌دهد که در نمایشنامه به عنوان تمثیلی از زمان و تاریخ کشور است. این مقاله با استفاده از شکل گسترده تری از "زمان زنان" جولیا کریستیوا نشان می‌دهد که زمان دایره وار و ابدی فرد مطرود باعث می‌شود او در زمانی خارج از زمان کشور عمل کند. به علاوه تضاد زمانی فرد مطرود با کشور در راستا و همزمان با تضاد او با فرایند پیری اتفاق می‌افتد. تلاق این دو نوع تنش زمانی کشور را نیرویی اخته کننده و به مثابه قدرت مخرب زمان و پیری نشان می‌دهد. به وسیله‌ی این عدم هماهنگی زمانی و اخته کردن فرد مطرود در انتهای نمایشنامه، ویلیامز تاریخ‌ها و هویت‌های حاشیه‌ای را به نمایش می‌گذارد که در تاریخ یکپارچه کننده‌ی کشور محکوم به محو شدن هستند.

**واژگان کلیدی:** گوتیک آمریکایی؛ تنسی ویلیامز؛ تضاد زمانی فرد مطرود؛ زمان زنان؛ جولیا کریستیوا.

## مقاومت فرهنگی برای حفظ ریشه‌ها: بررسی اثرات استعمار بر شکل‌گیری هویت در رمان *چقدر زیبا بودیم* اثر ایمبولو امبو

هدا شب‌رنگ (نویسنده مسئول)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

ژاله لعلی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

### چکیده

این مقاله با بهره‌گیری از نظریه‌های پسااستعماری هومی بابا، به تحلیل مقاومت و شکل‌گیری هویت ترکیبی در رمان *چقدر زیبا بودیم* (۲۰۲۱) اثر ایمبولو امبو می‌پردازد. این پژوهش رد تقلید استعماری و همسان‌سازی اجباری در فضای سوم توسط شخصیت‌ها را بررسی کرده و کاوش می‌کند که چگونه مفاهیم هومی بابا مبنی بر دوگانگی و بی‌خانمانی به عنوان پیامدهای استعمار ظهور می‌کنند. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه تلاش برای هویت ترکیبی فرهنگی می‌تواند به طور متناقضی منجر به بیگانگی شود، در حالی که رمان امبو بی‌عدالتی‌های زیست‌محیطی و به حاشیه رانده شدن فرهنگی استعمارشدگان را نقد می‌کند و بر تصاحب چشم‌اندازهای اجدادی حیاتی برای هویت آفریقایی تأکید می‌ورزد. از طریق تحلیل نظری و متنی، این مطالعه اشکال متنوعی از مقاومت فرهنگی و هویتی را شناسایی می‌کند. شخصیت اصلی زن، با پرورش هویتی بینابینی از طریق مهاجرت، جنبشی را علیه استثمار استعماری رهبری می‌کند. شخصیت‌های بومی نیز مقاومت کرده و سرزمین اجدادی خود را بازپس می‌گیرند. این رمان به طور قدرتمندی شخصیت‌هایی را که تحت تأثیر پویایی‌های استعماری شکل گرفته‌اند، به تصویر می‌کشد و بینش‌هایی را در مورد هویت پسااستعماری و مقاومت ارائه می‌دهد. این مقلله به درک اینکه چگونه افراد ساختارهای استعماری سرکوبگر را هدایت و در برابر آنها مقاومت می‌کنند، کمک می‌کند و اشکال جدیدی از بیان فرهنگی و تعلق را در سرزمین‌های اجدادی خود پرورش می‌دهد. این مطالعه بر نقش حیاتی بازپس‌گیری میراث فرهنگی و هویت در به چالش کشیدن سلطه خارجی و احراز خودگردانی در مواجهه با استثمار تاریخی تأکید می‌کند.

**واژگان کلیدی:** بی‌خانمانی؛ بینابینی؛ تقلید؛ فضای سوم؛ مقاومت فرهنگی.

## آموزه‌های اخلاقی-تربیتی و مسأله استانداردهای شناختی و عاطفی در شعر کودک: مطالعه موردی اشعار کودکانه لطیف هلمت

فردین حسین پناهی (نویسنده مسنول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

آرش مهربان

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

### چکیده

شعر کودک، به عنوان بخشی بنیادین از ادبیات کودک، نقش مهمی در انتقال آموزه‌های اخلاقی و تربیتی ایفا می‌کند. با این حال، میزان اثربخشی این آموزه‌ها وابسته به هماهنگی آن‌ها با ظرفیت‌های شناختی و عاطفی مخاطب کودک است. عدم توجه به چنین استانداردهایی، نه تنها فرآیند برقراری ارتباط میان شعر و مخاطب کودک را مختل می‌کند، بلکه هدف اولیه انتقال آموزه‌های تربیتی و اخلاقی را نیز دچار اختلال خواهد کرد. لطیف هلمت، از شاعران مطرح شعر کودک در ادبیات کردی، در اشعار خود توجه ویژه‌ای به بیان و انتقال آموزه‌های اخلاقی و تربیتی دارد. در پژوهش حاضر، با تکیه بر معیارها و مؤلفه‌های عاطفی و شناختی در شعر کودک، به نقد و بررسی اشعار کودکانه لطیف هلمت می‌پردازیم و میزان انطباق مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و روایی اشعار او با معیارهای رشد شناختی و عاطفی مخاطبان کودک نقد و بررسی می‌شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری تحقیق شامل مجموعه اشعار کودکانه لطیف هلمت موسوم به دیوانی مندالان است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که هرچند هلمت به خلق مضامین تربیتی و طرح موضوعاتی چون اخلاق زیست‌محیطی، ارزش‌های فردی و اجتماعی، و سوادآموزی توجه ویژه‌ای دارد، اما در موارد متعددی، شعر او در زمینه‌هایی چون: ضرورت اشتغال بر تجارب زیسته مخاطب کودک، تناسب با رشد شناختی و عاطفی کودک، داشتن طرح روایی مناسب و پرهیز از سبک خطابه‌ای، با استانداردهای نوین شعر کودک فاصله دارد. این پژوهش اهمیت توجه به استانداردهای شناختی و عاطفی در بیان و انتقال آموزه‌های اخلاقی-تربیتی در شعر کودک را نشان می‌دهد و بر لزوم بازنگری در شیوه‌های بیانی و روایی شعر کودک، با تأکید بر هم‌خوانی با مراحل رشد ذهنی و عاطفی مخاطب کودک تأکید دارد.

**کلید واژه‌ها:** شعر کودک؛ لطیف هلمت؛ آموزه‌های تربیتی؛ رشد شناختی کودک؛ طرح روایی.

## رمزگشایی از بیگانگی: نشانه‌شناسی و مدرنیته مصرف‌گرا در رمان شهر شیشه‌ای پل آستر

مرضیه زیبایی

دانشجوی دکترا، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

عبدالرضا گودرزی (نویسنده مسئول)

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

شهرام افروغه

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

### چکیده

فرهنگ، دلیل ایجاد فردگرایی است که باعث تضعیف پیوندهای اجتماعی میشود. مردم معمولاً خود را بر اساس چیزهایی که دارند تعریف می‌کنند نه بر اساس اینکه چه کسانی هستند. این امر منجر به چالش‌های هویتی می‌شود. بیگانگی یکی از نتایج مشهود زندگی در فرهنگ‌های شهری مدرن است که از مصرف‌گرایی ناشی می‌شود و می‌توان آن را از طریق سبک زندگی ساکنان آن سرزمین و امور روزمره‌شان بررسی کرد که توسط کدهای فرهنگی غالب در آن جامعه مشخص می‌شوند. تمرکز اصلی این پژوهش بر برجسته‌سازی جزئیات مصرف‌گرایی در غذاها و نوشیدنی‌ها در شهر نیویورک است، جایی که به عنوان یک سیستم نشانه‌شناسی در دنیای مدرنیته شناخته می‌شود و بیگانگی در شخصیت اصلی داستان، دانیل کوین، را برجسته می‌سازد. براساس نظریه نشانه‌شناسی رولان بارت، که بر کثرت معانی کدهای فرهنگی تأکید دارد، رویکردی منسجم و روشنگرانه ارائه می‌شود که با مشخص کردن چارچوب دال و مدلول، اسطوره‌ها را به عنوان سطوح عمیق‌تر معنا نشان می‌دهد. از این رو، کثرت معانی بارت در کدها به کاوش معانی پنهان در چارچوب روایی متن کمک می‌کند. این مطالعه به بررسی چگونگی تأثیر زندگی در فضای شهری مدرن بر ایجاد بحران‌های روانی در افراد می‌پردازد و نیویورک را به عنوان جهان کوچکی معرفی می‌کند که می‌تواند به جامعه آمریکایی، به عنوان جهان بزرگتری گسترش یابد.

واژگان کلیدی: بیگانگی؛ مصرف‌گرایی؛ نشانه‌شناسی؛ مدرنیته؛ فضای شهری.

## دیالکتیک روشنگری و ناملایمتی‌های آن

نوزاد جمال حمه فرج

استاد بخش علوم اجتماعی، موسسه مطالعات راهبردی کردستان، سلیمانیه، کردستان عراق

### چکیده

در کتاب *دیالکتیک روشنگری* اثر ماکس هورکهایمر و تئودور آدورنو، روشنگری از اسطوره متمایز نشده است. این امر از طریق بازمفهوم‌سازی روشنگری در بعد اسطوره‌ای آن نمایان می‌شود. *دیالکتیک روشنگری* به یک سوال اساسی پاسخ می‌دهد: چرا روشنگری در دام تفکر اسطوره‌ای می‌افتد؟ موضوع قابل توجه آن است که علی‌رغم پیشرفت روشنگری، اسطوره نیز باقی خواهد ماند. اینجا مفهوم اسطوره دو معنا پیدا می‌کند: نخست، همچون یک ژانر و دوم به مثابه‌ی جنبه تاریک عقلانیت. روشنگری بن‌مایه‌ای اسطوره‌ای دارد که در تمایل به خودکنترلی، استعمار و نابودسازی خویش را نشان می‌دهد. با توسعه دوگانه‌ی قدرت/دانش، چیرگی بر ترس نیز بیشتر می‌شود. ایده‌آل پیشرفت از ارتباط درونی قدرت/دانش حاصل آمده است. عقلانیت نیز محدود به ابزار کنترل و به انحصار درآوردن قدرت می‌شود، و بالاخره به آرمان نهایی دانش/معرفت تبدیل می‌گردد. اهمیت انتقادهای این دو نویسنده در نقادی کارنامه پنهان روشنگری است، به موازات آن، پارادوکس میان اسطوره و روشنگری در چارچوب تاریخی و اجتماعی-روانی آن نشان داده می‌شوند. کشف اصلی نویسنده‌ها عبارت است از ستیز میان عقلانیت و عواقب آن، که به نیروی علیه خود تبدیل می‌شود. بدین ترتیب هرچه پیشرفت بیشتر شود، بازگشت به اسطوره نیز افزایش می‌یابد. در این معنا روشنگری نه علیه اسطوره، که در چارچوب اسطوره تعریف می‌شود. بازتعریف اسطوره ز سوی این دو نویسنده به فهم شلینگ نزدیک است، گرچه در متن کتاب صراحتاً به آن اشاره نشده است.

**واژگان کلیدی:** روشنگری؛ عقلانیت؛ توحش؛ واژگونی؛ اسطوره.

## برساخت‌نگاری از خودهای ناپایدار: هستی‌شناسی اگزستانسیالی و چندگانگی روایی در گور به گور

ساجد حسینی (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

شیرین احمدپور

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

### چکیده

این مقاله بازخوانی‌ای نظری از رمان *گور به گور* اثر ویلیام فاکنر ارائه می‌دهد و بررسی می‌کند که چگونه ساختار روایی اثر، انحلال هستی‌شناسانه‌ی خود را به‌گونه‌ای صوری بازتولید می‌کند. برخلاف خوانش‌های متعارف که مضامین اگزستانسیالیسم، کانونی‌سازی و جریان سیال ذهن را به‌صورت جداگانه مورد تحلیل قرار داده‌اند، این پژوهش چارچوبی نظری پیشنهاد می‌دهد که این مفاهیم را به‌عنوان سازوکارهایی درهم‌تنیده و وابسته به هم در تولید ناپایداری وجودی بازتعریف می‌کند. با بهره‌گیری از روایت‌شناسی ژرار ژنت، بازخوانی مایک بال از کانونی‌سازی، الگوی درونی‌سازی در نظریه‌ی مونیکا فلودرنیک، و فلسفه‌ی اگزستانسیالیستی پساسارتری، مقاله نشان می‌دهد که چگونه چندگانگی روایت در رمان، خود منسجم را از هم می‌پاشد. تحلیل دقیق صداهای گسسته‌ی شخصیت‌های خانوادگی باندرن بیانگر آن است که فاکنر بحران اگزستانسیالی را صرفاً بازنمایی نمی‌کند، بلکه با فروپاشی پی‌درپی کانونی‌سازی و گسست درونی روایت، آن را بازتولید می‌نماید. شخصیت‌هایی چون دارل، واردمن و ادی نه به‌مثابه سوژه‌های پایدار، بلکه به‌عنوان نقاط شکست روایی ظاهر می‌شوند؛ جایی که زبان از تثبیت هویت بازمی‌ماند. این نتایج به شکاف انتقادی موجود در مطالعات فاکنر پاسخ می‌دهند و نشان می‌دهند که تکنیک‌های روایی او نه تزئینی، بلکه ژست‌هایی فلسفی‌اند. در سطحی کلان‌تر، این مطالعه به گفتمان‌های روایت‌شناسی و مدرنیسم ادبی می‌افزاید و الگویی برای خواندن ادبیات به‌عنوان کنش‌گر ساخت و فروپاشی سوژگی اگزستانسیالیستی ارائه می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** گور به گور؛ کانونی‌سازی؛ درونی‌سازی؛ هستی‌شناسی اگزستانسیالی؛ نظریه‌ی روایت؛ سوژگی.

## زندگی‌های چندگانه، ذهن‌های زخمی: کاوشی در آسیب‌های ناشی از آوارگی در رمان *آواز کبوتر* نوشته فادیه فقیر

زهرا قاسمی

استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

### چکیده

این مقاله آسیب روانی ناشی از جابه‌جایی و تبعید را در رمان *آواز کبوتر* اثر فادیه فقیر بررسی می‌کند. در حالی که مطالعات پیشین هویت دیاسپوریک را مورد توجه قرار داده‌اند، این تحلیل با تمرکز بر درهم‌تنیدگی آسیب روانی، جنسیت، و دین در شکل‌گیری "خود گسستگی" به غنای این حوزه کمک می‌کند. روایت حول محور «سلما»، زنی مسلمان می‌باشد که از ترس قتل ناموسی مجبور به ترک وطن خود می‌شود. با بررسی مضامینی چون تبعید، گسست هویتی و آمیختگی فرهنگی، پژوهش نشان می‌دهد که تجربه‌ی دیاسپوریک سلما، فرآیند شکل‌گیری هویت او را پیچیده‌تر می‌سازد. با بهره‌گیری از نظریه‌های پسااستعماری و آسیب‌شناسی روانی، مقاله استدلال می‌کند که برهم ریختگی روانی سلما ناشی از تلاقی گیج‌کننده و چندگانه‌ی نیروهای فرهنگی، زبانی و دینی است. او در نقطه‌ی تقاطع خشونت مبتنی بر ناموس، سرکوب جنسیتی، و جابه‌جایی دیاسپوریک قرار دارد و تجسسی است از رنج زنان مسلمان به حاشیه رانده شده‌ای که در سرزمین‌های بیگانه، راهی برای بقا و معنا می‌جویند. روایت او که آمیخته با مضامینی چون تبعید، حافظه و بحران‌های هویتی است، درک عمیق‌تری از اثرات ماندگار آسیب بر مهاجران به دست می‌دهد. وقایع تراژیک زندگی سلما، زخمی در روان او بر جای می‌گذارد، و جابه‌جایی اجباری که او را با فرهنگی کاملاً جدید، زبانی بیگانه و دینی متفاوت روبه‌رو می‌کند، گسست هویتی او را تشدید می‌کند.

واژگان کلیدی: روان زخم؛ دیاسپورا؛ هویت ازهم‌گسیخته؛ *آواز کبوتر*.

## ترجمهٔ مواردِ زبانِ عامیانه: مطالعهٔ موردیِ ناطور دشت

مریم قدرتی

استادیار مطالعات ترجمه، دپارتمان زبان‌های خارجی، دانشکدهٔ مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه دریانوردی و علوم

دریایی چابهار، چابهار، ایران

شجاع نی‌نوا (نویسندهٔ مسئول)

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، دپارتمان زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

آناهیتا امیرشجاعی

استادیار مطالعات ترجمه، دپارتمان زبان‌های خارجی، دانشکدهٔ گردشگری، مجتمع آموزش عالی بم، کرمان، ایران

### چکیده

این مقاله به بررسی ترجمهٔ اصطلاحات عامیانه، با تأکید ویژه بر واژگان تابو، می‌پردازد؛ واژگانی که به‌طور گسترده به‌عنوان چالش‌هایی مهم و پیچیده برای مترجمان فعال در بسترهای فرهنگی مختلف شناخته می‌شوند. این مطالعه به‌طور خاص دو ترجمه انگلیسی به فارسی رمان مشهور ناطور دشت اثر جی. دی. سلینجر را مورد توجه قرار می‌دهد و مفاهیم تأثیرگذار ونوتی (۱۹۹۵) دربارهٔ بومی‌سازی و بیگانه‌سازی را به‌عنوان چارچوب نظری و تحلیلی اصلی خود به کار می‌گیرد. ترجمه‌ها با دقت و به‌طور سیستماتیک از طریق بررسی متنی تطبیقی در نرم‌افزار SDL Trados Studio و ارزیابی کمی در Microsoft Excel تحلیل شدند تا فراوانی، توزیع و الگوهای مختلف استراتژی‌های ترجمه مشخص شود. نتایج نشان‌دهندهٔ شیوع واضح استراتژی‌هایی مانند حذف، حُسن تعبیر، ترجمهٔ تابو به تابو و ترجمهٔ تابو به غیرتابو است که به ترتیب کاهش فراوانی ارائه شده‌اند. اگرچه مترجمان عموماً رویکردی هدف‌محور را دنبال کرده و سعی در رعایت و احترام به انتظارات فرهنگی در زبان مقصد داشتند، تحلیل کمی دقیق استراتژی‌های به‌کاررفته، به‌ویژه شیوع غیرمنتظره بومی‌سازی به‌دلیل تفاوت‌های فرهنگی میان زبان مبدأ و مقصد، واقعیتی پیچیده، چندلایه و ظریف‌تر از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: فروغ فرخزاد؛ اصطلاحات عامیانه؛ بومی‌سازی؛ بیگانه‌سازی؛ تابو؛ ناطور دشت.

## عامل ها و شبکه‌های ترجمه: مطالعه موردی ترجمه‌های فارسی رمان‌های بختیار علی در ایران

میلاذ میره‌کی

دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه دانشگاه اصفهان، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی،

دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

احمد معین زاده (نویسنده مسئول)

دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

سعید کتابی

دانشیار زبان‌شناسی کاربردی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان،

ایران

### چکیده

بختیار علی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر کرد، عمدتاً از طریق ترجمه‌های فارسی آثارش در ایران به شهرت گسترده‌ای دست یافت. پژوهش حاضر به بررسی عاملیت مترجمان و ناشران در ترجمه‌های فارسی رمان‌های کردی علی در میدان ادبی ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه تصمیم‌گیری‌ها، انگیزه‌ها و محدودیت‌های زمینه‌ای با یکدیگر تعامل دارند. این مطالعه با رویکرد کیفی و به صورت مطالعه موردی انجام شده و تنها بر رمان‌های بختیار علی که مستقیماً از کردی به فارسی بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۲۵ ترجمه شده‌اند، متمرکز است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختارمند با هفت مترجم و شش ناشر تا رسیدن به اشباع نظری، به همراه پژوهش آرشیوی، بررسی تاریخچه انتشار، و تحلیل متنی و پیرامونی گردآوری شده‌اند تا الگوهای تصمیم‌گیری و همکاری رصد شوند. تحلیل بر اساس مدل سه سطحی عاملیت حدادیان-مقدم، شامل تصمیم، انگیزه و زمینه، در کنار نظریه شبکه-کنشگر (ANT) و مفهوم سرمایه در بوردیو انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عاملیت به طور نابرابر توزیع شده است: ترجمه‌های اولیه عمدتاً ناشی از انگیزه‌های فرهنگی و روشنفکری مترجمان بوده، در حالی که ترجمه‌های بعدی بازتاب دهنده کنترل فزاینده ناشران هستند که تحت تأثیر سرمایه نمادین، ملاحظات بازار و رشد آشنایی با ادبیات کردی شکل گرفته‌اند. عاملیت مترجمان همچنین با عوامل سیاسی و نهادی، از جمله سانسور، زمان و سلسله‌همراتب زبانی محدود می‌شود، اما توسط سازوکارهای تسهیل‌کننده‌ای مانند جویز ادبی، پیدایی پیرامونی و ظهور مترجمان سلبریتی تقویت می‌شود. این یافته‌ها به مطالعات ترجمه کمک کرده و مطالعات ترجمه کردی (KTS) را با روشن کردن تعامل پیچیده عاملیت، سرمایه و شبکه‌ها در تبادل ادبی میان پیرامونی پیش می‌برند.

واژگان کلیدی: نظریه کنشگر شبکه؛ پیر بوردیو؛ سرمایه؛ مطالعات ترجمه کردی؛ عاملیت مترجم.